

۱۷ خرداد ۱۴۰۱سه شنبه

شماره ۴۲۹۶

www.sharghdaily.com

روزانه

شرق



اردوان امیراصلانی

«ما هیچ وسیله دیگری برای تضمین مرزهای خود به‌جز گسترش آنها پیدا نکرده‌ایم»؛ این جمله تزارینا کاترین دوم به ولتر، جاه‌طلبی‌های استراتژیک روسیه در آن زمان را خلاصه می‌کند. با توجه به جنگ در اوکراین، متوجه می‌شویم که جنگ تا چه حد اهمیت خود را حفظ کرده است. همواره توسعه‌موتور تسلط روسیه با تمرکز بر روی شرق بوده است. فتوحات سلسله رومانوف در طول سه قرن بالغ بر ۵۲ هزار کیلومترمربع در سال بوده است؛ اما امروزه این ابرقدرت به طرز فجیعی یک دولت ضعیف را پنهان کرده و عاری از سیاست غیرمتمرکز واقعی است. خطر جدایی در راستای این توسعه‌طلبی همواره باعث نگرانی رهبران روسیه، خواه تزار و خواه سران حزب کمونیست شوروی سابق بوده است. کنترل این کشور عظیم که در پهنای دو قاره گسترده شده و بر تمام مناطق عمده ژئوپلیتیک جهان تأثیرگذار است، سرکوب اعتراضات یا بی‌ثباتی در همه اشکال را توجیه می‌کند. برخی از هفت جمهوری خودمختار قفقاز با وجود وفاداری به مسکو، تحت تأثیر امواج جنگ اوکراین، جنگ‌افروزی ولادیمیر پوتین را به چالش کشیده‌اند. در اوستیای جنوبی، مخلوق ناب روسیه که حاکمیت آن از سوی روسیه به رسمیت شناخته شده است، آلن گالگولیف، رئیس‌جمهور

جدید کشور، همه‌پرسی برای الحاق به روسیه را به تعویق انداخته است. اولین نشانه‌های تنش در ماه مارس گذشته به دنبال قرار ۳۰۰ سرباز اوستیایی اعزامی به جبهه اوکراین و انتقاد از تعهد ناموجه و فرماندهی نظامی روسیه ظهور کرد. به‌تازگی اوستیا-آلانیا در همسایگی شمالی در مواجهه با اعتراضات فراپزیده مردم، قانون جرم‌انکاری انتقاد از ارتش روسیه را تصویب کرد. از سوی دیگر تظاهرات علیه روسیه در اینگوشتیا و حتی قبل از آن در چچن تحت فرمان‌روایی رمضان قدیروف که از سال ۲۰۰۷ با مشیت آهنین حکومت را در دست دارد، از نوادر روزگار محسوب می‌شود. قفقاز، سرزمینی در حاشیه با هویت‌های قومی و احساسات ملی‌گرایانه قوی توأم با آرزوی استقلال که در قرن نوزدهم به بهای تبعید و قتل عام فتح و به امپراتوری روسیه ملحق شد، همچنان موضوع نگرانی دائمی کرملین است. مسکو با آگاهی از این حساسیت مفرط، به‌تازگی مراسم بزرگداشتی را که قرار بود در ۲۱ می به مناسبت یاد و خاطره جنگ روسیه و نسل‌کشی قوم چرکس جشن گرفته شود، ممنوع اعلام کرد. هم‌اکنون این قوم در سه جمهوری قفقاز شمالی یعنی کاباردینو-بالکاریا، کاراچای-چرکسیا و آدیغه پراکنده هستند. برخی از فعالان دور از وطن با انجام مقایسه‌های مبهم میان خشونت‌های

همسایگان روسیه، کانون جدایی

قومیتی روس‌ها علیه اوکراینی‌ها و سرنوشت مردم خود، این تابو را به چالش کشیده‌اند. امروز چالش اصلی جمهوری‌های قفقاز بهای سنگینی است که در چارچوب تعامل با اوکراین به مسکو می‌پردازند. در واقع، اقلیت‌های غیروس قفقاز، مانند سایر مناطق پیرامون روسیه، بیش از حد در گردان‌های روسیه حضور دارند و تلفات انسانی شدیدی را به نام جنگی که برای اتحاد اسلاوها به راه افتاده متحمل می‌شوند. از میان تمام مناطق روسیه، داغستان بیشترین تعداد تلفات جنگی را متحمل می‌شود. در مقایسه با روسیه و به نسبت جمعیت آن، تلفات اوستیای شمالی-آلانیا ۴۰۰ برابر بیشتر است. این وضعیت، یادآور جنگ شوروی سابق در افغانستان است که در آن مردم جمهوری‌های شوروی سابق در آسیای مرکزی بخش عمده‌ای از نیروهای اعزامی و تلفات جنگ را تشکیل می‌دادند. از این‌رو تظاهرات علیه جنگ در سال ۱۹۸۲ در تاجیکستان و به دنبال آن در سال ۱۹۸۶ در قزاقستان آغاز شد. این تظاهرات اولین مرحله روند طولانی است که این کشورها برای دستیابی به استقلال طی کردند و سرانجام در سال ۱۹۹۱ با سقوط اتحاد جماهیر شوروی تحقق یافت. امروز نیز مانند گذشته، روسیه با خطر برانگیختن جنبش‌های شورش طلب علیه قدرت مرکزی، سربازان خود

را از حاشیه امپراتوری عقب می‌کشد. البته قدرت حکومت پوتین به‌راحتی رو به زوال نخواهد رفت. جنگ دوم در چچن (۱۹۹۹-۲۰۰۷)، صحنه سرکوب شدید از سوی روسیه بود که برای مدت طولانی هرگونه تمایل برای استقلال‌طلبی در جمهوری‌های همسایه را عقیم کرد. بااین‌حال، احساسات ملی‌گرایانه در قفقاز ادامه دارد و هیچ تضمینی وجود ندارد که جنگ ناموفق پوتین در اوکراین منجر به واکنش اجتماعی و سیاسی فاجعه‌آمیزی در منطقه نشود. این پدیده مکرراً تکرار می‌شود. کنترل ناآرامی‌ها در خاور دور سبیری در تابستان ۲۰۲۰ بسیار دشوار بود. هزاران تظاهرات‌کننده از خاباروفسک، شهری در نزدیکی مرز چین، زندانی شدن سرگنی فورگال، یکی از فرمانداران مستقل حلقه پوتین را محکوم کردند. مسلما جدایی همچنان خطری است که با موانع زیادی روبه‌رو است؛ اما زمانی که در مناطق پیرامون روسیه فریاد «استغفای پوتین» طنین‌انداز می‌شود، این خطر هم از سوی تحلیلگران و هم از سوی قدرت مرکزی واقعی و جدی در نظر گرفته می‌شود. به دلیل نبود یک پروژه سیاسی قادر به برآورده‌کردن انتظارات واقعی مردم، کسی نمی‌داند که آیا فدراسیون روسیه با تجزیه‌شدن سرنوشتی مانند اتحاد جماهیر شوروی سابق پیدا خواهد کرد یا خیر.

واشنگتن برای تحریم نفت روسیه، ونزوئلا را وارد بازار نفت اروپا می‌کند

چراغ سبز بایدن به مادورو

درباره آینده سرمایه‌گذاری و عملیات استخراج نفت در این کشور مذاکره کند. هرچند صدور این مجوزها می‌تواند چراغ سبز واشنگتن برای لغو تدریجی تحریم‌های نفتی ونزوئلا باشد و عاملی برای تقویت قدرت مادورو و رژیم سوسیالیست او به نظر بیاید، ولی به باور دو مقام آگاهی که با رویترز گفت‌وگو کرده‌اند، پابرجاماندن آنها مشروط به از‌سرگیری مذاکرات سیاسی مادورو و مخالفان سیاسی‌اش است.

فرستادگان دولت آمریکا در ماه مارس بالاترین سطح مذاکرات خود را در سال‌های اخیر با طرف ونزوئلایی انجام دادند و کاراکاس نیز پس از این مذاکرات، دو شهروند آمریکایی زندانی در این کشور را آزاد کرد و وعده داد بر سر میز مذاکره با مخالفان خود بازگردد؛ هرچند هنوز تاریخ مشخصی برای آن اعلام نکرده است. دولت آمریکا در عین حال امیدوار است از‌سرگیری صدور نفت خام ونزوئلا بتواند به اروپا کمک کند تا وابستگی خود را به روسیه کاهش دهد و هم‌زمان از ارسال برخی محموله‌های ونزوئلا به چین کاسته شود.

ونزوئلا تحت تحریم‌های شدید ایالات متحده آمریکا قرار دارد، اما از نخستین هفته‌ها پس از آغاز تجاوز نیروهای نظامی روسیه به اوکراین، زرمزه احتمال جایگزینی بخشی از نفت روسیه با کمک این دو کشور مطرح شده بود. ونزوئلا که درگیر بحران اقتصادی بسیار شدیدی است از سال‌ها پیش گرفتار جنگ قدرت میان مادورو و حامیانش و گروه‌های اپوزسیسیون است. آمریکا و اغلب کشورهای غربی اعلام پیروزی مجدد مادورو در انتخابات سال ۲۰۱۸ را به رسمیت نمی‌شناسند. در

دولت دموکرات آمریکا در ادامه عقب‌نشینی‌ها در برابر حکومت ونزوئلا قصد موافقت با صدور نفت ونزوئلا به اروپا را دارد. این چراغ سبز دولت جو بایدن ظاهرا با توجه به بحران در بازار انرژی جهان، پس از حمله روسیه به اوکراین و لزوم جایگزینی نفت روسیه اعلام شده است. وزارت خارجه آمریکا با ارسال نامه‌ای به شرکت‌های نفتی ایتالیایی «انی» و اسپانیایی «رئپول» مجوز واردات نفت ونزوئلا را به منظور جبران کمبود حاصل از اجرای برنامه کاهش وابستگی اروپا به نفت روسیه صادر کرده است. وزارت خارجه آمریکا اعلام کرده که می‌تواند از ماه آینده واردات نفت ونزوئلا را از سر بگیرد؛ وارداتی که از دو سال پیش و تحت فشار سنگین تحریم‌های نفتی واشنگتن علیه کاراکاس متوقف شده بود.

با این حال و بر اساس گزارش رویترز، دیپلمات‌ها گفته‌اند حجم نفت دریافتی شرکت‌های انی و رئسپول به‌ میزانی نخواهد بود که بر قیمت جهانی نفت تأثیرگذار باشد. همچنین برخی منابع آگاه دیگر نیز اشاره کرده‌اند که با توجه به سرمایه‌گذاری مشترک این دو شرکت اروپایی و شرکت ملی نفت ونزوئلا، صدور نفت این کشور در چارچوب تسویه بدهی‌ها و درپیکرد سود مطالبات شرکت‌های انی و رئسپول انجام خواهد شد. در عین حال، یک مقام آگاه دیگر تأکید کرده است اعطای مجوز صدور این محموله‌های نفتی با این شرط انجام شده که تنها در اروپا مصرف شود و در هیچ بازار دیگری عرضه نشود. دولت جو بایدن ماه گذشته نیز به شرکت شورون، بزرگ‌ترین شرکت نفتی ایالات متحده که همچنان در ونزوئلا فعال است، اجازه داد تا با دولت نیکلاس مادورو و شرکت ملی نفت ونزوئلا

سوئد و فنلاند چه فکری می‌کنند؟

ابراهیم رضایی‌راد: جنگ روسیه و اوکراین موجب تغییر و تحول نظم بین‌الملل شده است؛ نظمی که دیگر در رأس هرم آن کشورهای غربی قرار ندارند و جبهه شرق در حال پیشتاز است. جنگ روسیه و اوکراین این موضوع را بیش از پیش گوشزد کرد که در نظم بین‌الملل کنونی نیز احتمال آغاز جنگ وجود دارد و دور از تصور نیست. از همین جهت کشورهای همسایه روسیه که بیش از پیش خطر حمله روسیه را احساس می‌کنند، تلاش دارند از طریق عضویت در پیمان‌های نظامی مانند ناتو، امنیت مرزهای خود را تضمین کنند. سوئد و فنلاند نیز از این دست کشورها هستند که پس از حمله روسیه به اوکراین، عضویت در ناتو را در رأس اهداف سیاسی و نظامی خود قرار داده و درخواست رسمی خود درخصوص عضویت در ناتو را ارسال کردند؛ گرچه درخواست عضویت این کشورها واکنش روسیه را به دنبال داشت.

رهبران اروپایی نیت روسیه را مورد ارزیابی مجدد قرار داده‌اند و در مقابل تهدیدی که پوتین برای وضعیت موجود ایجاد می‌کند، تعادل برقرار می‌کنند. یکی از محاسن یک نظریه خوب این است که رویدادهایی را که در غیر این صورت ممکن است فاعلگیرکننده یا حداقل تا حدودی گیج‌کننده به نظر برسند، معنا می‌کند. نمونه بارز این موضوع تصمیم سوئد و فنلاند برای کنارگذاشتن سنت‌های طولانی بی‌طرفی و درخواست عضویت در ناتو است. در نگاه اول، توضیح این تصمیم، کورکورانه به نظر می‌رسد. روسیه مخرب‌ترین جنگ را در اروپا از زمان جنگ جهانی دوم آغاز کرده و آن را به تهاجمی قابل توجه بدل کرده است. با طولانی‌شدن جنگ در اوکراین و تهدید تبدیل‌شدن جنگ به یک بن‌بست مخرب و بی‌سرانجام، سوئد و فنلاند به این نتیجه رسیده‌اند که محیط امنیتی آنها رو به وخامت است و نیاز به امنیت بیشتری دارند که در همین راستا معتقدند عضویت در ناتو امنیت آنها را فراهم می‌کند. کنارگذاشتن یک سیاست طولانی و موفق بی‌طرفی یک گام بزرگ است و می‌تواند هزینه‌ها و خطرات درخور توجهی را در پی داشته باشد. این نکته به‌ویژه در مورد سوئد

که سال‌ها با ناتو همکاری نزدیک داشته و در حال حاضر بسیاری از مزایای عضویت را با بار اندکی دریافت کرده، بسیار مهم است.

مهم‌تر از آن، شاید بتوان فکر کرد که عملکرد نظامی اقتضاح روسیه در اوکراین باعث می‌شود سوئد و فنلاند احساس امنیت بیشتری داشته باشند. جنگ نشان داد نیروهای مسلح روسیه در تسخیر سایر کشورها خیلی خوب نیستند و ترکیب تحریم‌های غرب، هزینه‌های خود جنگ و ادامه قرار مغزها از روسیه حتی با کاهش جمعیت و افزایش سن پتانسیل قدرت کشور روسیه را در سال‌های آینده کاهش خواهد داد. وقتی کسی به یاد می‌آورد که سوئد در طول جنگ سرد بی‌طرف ماند، زمانی که قدرت شوروی در اوج خود بود، حداقل تا حدودی گیج‌کننده است که سوئد (و فنلاند) این لحظه را انتخاب کردند تا تصمیم بگیرند که به ناتو بپیوندند. همان‌طور که مدت‌هاست که اگر تشخیص دهیم نظریه سنتی موازنه قدرت ناقص است، پازل‌هایی از این دست ناپدید می‌شوند. دولت‌ها به توازن قوا توجه زیادی می‌کنند، اما آنچه واقعاً به آن اهمیت می‌دهند تهدیدهاست. سطح تهدیدی که یک دولت برای دیگران ایجاد می‌کند، تا حدی تابعی از قدرت کلی آن است؛ اما همچنین تابعی از قابلیت‌های نظامی خاص (به‌ویژه توانایی آن در تسخیر یا آسیب‌رساندن به دیگران). نزدیکی جغرافیایی و نیت درک‌شده آن است.

کشورهایی با ارتش‌هایی که برای فتح پهنه‌سازت آموزش دیده‌اند، خطرناک‌تر از دولت‌هایی هستند که نیروهایشان عمدتاً برای دفاع از قلمرو خود طراحی شده‌اند. همچنین کشورهایی که به نظر از وضعیت موجود رضایت دارند، نسبت به کشورهایی که به نظر می‌رسد تمایل به بازنگری در آن دارند، هشدار کمتری ایجاد می‌کنند. تئوری موازنه تهدید توضیح می‌دهد که چرا تصرف کویت توسط عراق در سال ۱۹۹۰ منجر به ایجاد یک ائتلاف متعادل شد که ترکیبی از قابلیت‌های آن پایه‌های اقتصادی و ارتش درجه‌سه عراق را کوچک‌تر کرد. همچنین توضیح می‌دهد چرا اروپا به‌شدت

به حمله روسیه به اوکراین پاسخ داده، اما تنها گام‌های کوچکی برای پاسخ به قدرت رو به رشد چین در دوردست برداشته است. چینی که بسیار قوی‌تر از روسیه است و احتمالاً یک چالش بلندمدت بزرگ‌تر و گسترده‌تر است، اما در آن سوی اوراسیا قرار دارد و فاقد قابلیت‌های نظامی است که می‌تواند خود اروپا را به‌طور قابل قبولی تهدید کند. در مورد سوئد و فنلاند، نقطه عطف به وضوح دیدگاه تغییریافته از نیت روسیه بود. همان‌طور که ماگدالنا اندرسون، نخست‌وزیر سوئد، به خبرنگاران گفت: سوئد تصمیم گرفت برای پیوستن به ناتو درخواست دهد زیرا دیدگاه خود را در قبال تمایل روسیه به استفاده از خشونت و ریسک‌های بزرگ تغییر داده است. توجه داشته باشید که انگیزه‌های روسیه برای حمله به اوکراین، موضوع اصلی سوئدی‌ها نیست و مهم نیست که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، توسعه‌طلب است یا عمدتاً ناشی از احساس ناامنی عمیق است. مهم این است که او جنگ را انتخاب کرد.

در انتها به نظر می‌رسد فراسنجایی‌شدن جنگ روسیه و اوکراین و خطر تهدید حمله روسیه به سایر کشورها، سوئد و فنلاند را به عضویت ناتو ترغیب کرده است. اگرچه در این بین نارضایتی و مخالفت ترکیه سد راه عضویت این دو

کشور باشد که اهدافی مانند پک‌ک یا سعی در بهبود روابط با مسکو است، اما موضوع مهم بازخورد و واکنش روسیه نسبت به عضویت سوئد و فنلاند است. همان‌طور که پوتین و مقامات روسیه به شدت واکنش نشان داده و تهدیدهای هسته‌ای در این خصوص انجام دادند، البته این نکته نیز باید مدنظر قرار بگیرد که حساسیت‌های روسیه نسبت به اوکراین با این دو کشور قابل مقایسه نیست و از اهمیت کمتری برخوردار است؛ همان‌گونه که پوتین در سخنرانی دو هفته پیش خود عضویت دو کشور بدون پایگاه ناتو در خاک آنها را بدون مشکل خواند. سوئد و فنلاند نیز به خوبی از تهدیدات احتمالی روسیه آگاه هستند و به نوعی با اقدام پیشگیرانه و با عضویت در ناتو و استفاده از امنیت دسته‌جمعی تلاش می‌کنند تهاجم احتمالی به خاک این دو کشور را خنثی کنند. البته این اقدام می‌تواند هدف غرب و ایالات متحده آمریکا یعنی محاصره روسیه توسط کشورهای عضو ناتو را عملی کند. اقدامی که شاید به نفع سوئد و فنلاند باشد ولی این نکته باید مدنظر قرار بگیرد که حضور ناتو در مرزهای روسیه موجب اقدامات احتمالی روسیه و گسترش جنگ در اروپا می‌شود؛ موضوعی که گستره جنگ را فراتر از اوکراین می‌کند و احتمال سرایت آن به تمامی خاک اروپا وجود دارد.

کارت خودروهیوندای توسان رنگ مشکی معمولی مدل ۲۰۱۴ به شماره پلاک ایران ۲۰- ۳۳۹- ۵۱ و شماره موتور G4KEDU091698 و شماره شاسی KMJHU81C8EU752461 به نام شیمایریمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	پروانه وکالت اینجناب حسین همت کار دستچر دی به شماره ملی ۱۲۸۸۸۷۵۴۲۸ فرزند اصغر صادره از کانون وکلای مرکز در تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.
---	---

برگ سبز خودروسایایاکوییک رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۳۰- ۲۴۵- ۹۳ و شماره موتور M15 / 9469353 و شماره شاسی NAS841100N3391516 به نام رضا توسلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	برگ سبز خودروسایاتیبیا رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۶۸- ۱۸۳- ۴۴ و شماره موتور m15/9544052 شماره شاسی NAS811100N5798852 به نام منیره جبارفام مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	برگ سبز خودروتیبیا ۲ رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۹۱- ۷۷۱- ۶۱ و شماره موتور M15/9527913 و شماره شاسی NAS821100N1050063 به نام سعیده محمدی کله سر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	مدرک فارغ التحصیلی اینجناب فهیمه خاکشور فرزند عباس به شماره شناسنامه ۱۴۷ و کد ملی ۵۲۲۹۳۱۶۹۶۰ صادره از مشهد در مقطع کارشناسی ارشد رشته تربیت بدنی صادره از واحد دانشگاهی مشهد با شماره ۱۶۹۲۱۱۱۰۵۵۹۶ و تاریخ ۱۳۹۴/۰۴/۰۹ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به آدرس مشهد ، دانشگاه آزاد اسلامی، قاسم آباد، چهارراه استاد یوسفی، پردیس دانشگاه، اداره دانش آموختگان ارسال نماید.
برگ سبز خودروپراید جی تی ایکس آی رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک ایران ۸۸- ۹۴۴- ۵۷ و شماره موتور ۲۳۵۷۴۳۰ شماره شاسی S1412287732133 به نام علی اکبری انصاری میهاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	کارت دانشجویی اینجناب سارینا سادات شجره، فرزند میر جمال الدین، با شماره دانشجویی ۹۳۱۳۴۹۶۰۳۹ از دانشگاه خدمات درمانی و علوم پزشکی ایران، رشته پزشکی، در مقطع دکتری عمومی، مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	برگ سبز خودروتیبیا ۲ رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۹۱- ۷۷۱- ۶۱ و شماره موتور M15/9527913 و شماره شاسی NAS821100N1050063 به نام سعیده محمدی کله سر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	مدرک فارغ التحصیلی اینجناب محسن بدلی سر چشمه فرزند حیدرعلی به شماره شناسنامه ۶ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته مهندسی برق مخابرات صادره از واحد دانشگاهی یادگار امام خمینی (ره) با شماره۷۷۱۳۹۵۱۷۹ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به صندوق پستی ۱۸۱۵۵/۱۴۴ دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) ارسال نماید.